

## بررسی ادله‌ی نقش توبه در سقوط مجازات‌های جرائم منافی عفت از دیدگاه فریقین

رقیه محرمی<sup>۱</sup>

### چکیده:

در دین اسلام توبه علاوه بر آثار معنوی و اخروی بسیار، در سقوط مجازات برخی از گناهان نیز نقشی اساسی دارد. در جرایمی مانند زنا، لواط، مساحقه، قیادت که مجازات حدّ به مثابه حقّ الله است، اگر توبه پیش از اثبات جرم انجام شود بنابر نظر مشهور فقهای شیعه و طبق قانون مجازات اسلامی، حدّ ساقط می‌گردد. در میان علمای اهل سنت برخی با تمسک به اطلاق برخی آیاتی که در مورد اجرای حدود نازل شده بر این باورند که توبه موجب سقوط مجازات این جرائم نمی‌گردد در مقابل تعدادی از فقهای اهل سنت با استناد به آیات، روایات صادره از پیامبر اسلام (ص) و اولویت معتقدند توبه موجب سقوط حدّ می‌گردد. اما اگر توبه پس از شهادت شهود انجام شود، مشهور فقهای امامیه قایل به عدم سقوط حدّ می‌باشند و تنها برخی از فقهای شیعه قاضی را بین عفو و حدّ مخیر می‌دانند. در بین علمای اهل سنت در این باره سخنی به میان نیامده است. توبه‌ی مجرم اگر پس از اقرار وی به این گناهان صورت پذیرد، مشهور فقهای امامیه قاضی را مخیر در عفو و حدّ می‌دانند. اگرچه ابن ادریس تخیر قاضی را مختصّ به حدّ سنگسار می‌داند. علمای اهل سنت در این مسأله رجوع از اقرار را مورد بحث قرار داده‌اند که از نظر ماهوی با توبه تفاوت دارد و جمهور فقهای اهل سنت رجوع را پذیرفته‌اند. در باب توبه از قذف نیز باید گفت که همه‌ی علما معتقدند که حدّ ساقط نمی‌شود زیرا قذف حقّ الناس است.

**کلید واژه:** توبه، جرائم منافی عفت، شهادت شهود، فقهای امامیه، فقهای عامّه.

۱. مدرس دانشگاه پیام نور واحد نقده، گروه حقوق، نقده، ایران.

**مقدمه:**

در آیات و روایات متعددی توبه از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار است. زیرا نجات و رهایی انسان‌ها از امواج خطرناک و سهمگین گناهان در گرو آن است. در آیات متعددی به این مسأله اشاره شده است. مفسران در ذیل آن آیات به توضیح و تبیین توبه و شرایط آن پرداخته‌اند. در جوامع حدیثی بابی به توبه اختصاص یافته است و محدثان به تشریح آن همت گماشته‌اند. علاوه بر جایگاه رفیع توبه در قرآن و روایات، عرفا، دانشمندان علم اخلاق، متکلمان و ادیبان هر یک در کتب خویش بابی را به عنوان توبه گشوده‌اند و آن را مورد شرح و تفصیل قرار داده‌اند.

بر همین اساس این پژوهش سعی دارد نقش توبه در جرائم منافی عفت را از دیدگاه فقهای امامیه و عامه مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

**بیان مسأله**

دین مبین اسلام یک دین جامع و جهانی است و جهت هدایت انسان نازل گردیده و وظایف و تکالیف او را نیز مشخص کرده است. با توجه به این که ادله‌ی احکام شرعی کتاب، سنت، اجماع و عقل می‌باشد با ملاحظه‌ی این دلایل بررسی می‌کنیم که اگر شخصی مرتکب یکی از جرائم منافی عفت شود سپس از کرده‌ی خود پشیمان شده و توبه نماید چه آثاری بر توبه‌ی وی بار می‌شود؟

بنابراین محور اصلی بحث ما در این پژوهش بررسی و مطالعه‌ی نقش توبه در جرائم منافی عفت از دیدگاه فقه امامیه و عامه می‌باشد.

**مبحث اول: توبه از زنا**

از آنجایی که در برخی موارد توبه دارای اثر فقهی - حقوقی است و موجب سقوط مجازات قانونی می‌شود، در این مبحث از نقش توبه در سقوط حدّ زنا سخن خواهیم گفت.

**گفتار اول: توبه‌ی زانی قبل از اثبات جرم**

اگر شخصی که مرتکب عمل زنا گردیده است قبل از اثبات آن توبه نماید در این صورت مشهور فقهای امامیه بر این عقیده‌اند که حدّ از او ساقط می‌شود. (خوئی، بی‌تا، ص ۲۲۵) در مقابل دو تن از فقهای معاصر - آیت الله خوئی (خوئی بی‌تا، ص ۲۵۵) و آیت الله تبریزی (تبریزی، ۱۴۱۷، ص ۹۶) با تردید در ادله‌ی قول مشهور، نظر مخالف دارند. این دو بزرگوار معتقدند که به جز حدّ سرقت و محاربه که به دلیل خاصی، با توبه قبل از اثبات ساقط می‌شود، سایر حدود از جمله حدّ زنا با توبه قبل از اثبات ساقط نمی‌شوند.

در این گفتار ابتدا ادله‌ی قائلان به سقوط حدّ زنا بوسیله‌ی توبه قبل از اثبات را بررسی خواهیم کرد و سپس سخن قائلین به عدم سقوط حدّ را بیان می‌کنیم و در نهایت دیدگاه‌های فقهای اهل سنت را در این مورد ذکر می‌کنیم.

## بند اول: ادله‌ی مشهور فقهای امامیه

عمده دلیل این گروه روایات است؛ هر چند به آیه‌ی محاربه، شبهه، اولویت و بنای حدود بر تخفیف نیز استناد کرده‌اند.

### الف) روایات

قائلان به سقوط حدّ زنا با توبه قبل از اثبات به روایات متعددی همچون مرسله‌ی جمیل بن درّاج و مرسله‌ی ابوبصیر و صحیح‌های عبد... بن سنان و نیز روایات فضیلت توبه بر اقرار استناد کرده‌اند.

#### ۱) مرسله‌ی جمیل بن درّاج

جمیل بن درّاج از مردی و او از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل می‌کند که درباره‌ی شخصی سؤال شد که دزدی کرده یا شراب خورده یا زنا کرده است، ولی این جرم اثبات نمی‌شود و او دستگیر نمی‌گردد تا اینکه توبه می‌کند و شخص صالحی می‌شود حکم او چیست؟ حضرت علیه السلام در پاسخ فرمودند: «هرگاه عمل صالحی انجام دهد و کار شایسته‌ای از او سر بزند، حدّ بر او جاری نمی‌شود». (عاملی، بی‌تا، ص ۳۲۸)

این روایت به صراحت دلالت دارد که اگر کسی مرتکب زنا، سرقت یا شرب خمر شود و جرم وی ثابت نشود و دستگیر نگردد و توبه کند، حدّی بر او جاری نمی‌شود. با الغای خصوصیت از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که توبه قبل از اثبات هر حدّ، باعث سقوط آن می‌شود. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ص ۶۳) همچنین مفاد این روایت عام است و شامل توبه قبل از اقرار، علم قاضی و شهادت شهود نیز می‌شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۳۵)

این روایت از حیث دلالت تمام است، اما اشکال در سند این روایت است که مرسل می‌باشد. زیرا نمی‌دانیم شخصی که جمیل این روایت را از او نقل کرده ثقة بوده یا نه؛ در نتیجه روایت قابل استناد نیست. به این اشکال چنین پاسخ داده‌اند که مراسیل جمیل در حکم مسانید است. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۲) زیرا جمیل جزء اصحاب اجماع است. علاوه بر این مشهور فقها به این حدیث عمل کرده‌اند و عمل مشهور جبران کننده‌ی ضعف سند روایت است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ص ۱۳۵)

#### ۲) مرسله‌ی صفوان بن یحیی

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره مردی که شهود بر ضدّ او به ارتکاب زنا شهادت می‌دهند، ولی قبل از آن که حدّ بر او جاری شود فرار می‌کند، نقل می‌کند که حضرت علیه السلام فرمودند: «اگر توبه کند چیزی بر عهده‌ی او نیست و اگر در دست امام واقع شود حدّ را بر او جاری می‌سازد و اگر مکان او را بدانند به سراغ وی فرستد». (حرعاملی، بی‌تا، ص ۳۲۸).

## بحث سندی

اشکال وارده به سند این روایت این است که سند روایت مرسله است. زیرا صفوان بن یحیی، اسم فردی را که روایت ابوبصیر را از او نقل نموده، بیان نکرده و تنها به عبارت «بعض اصحابنا» اکتفا نموده است. برای حل این مشکل راه‌حل‌های متعددی ارائه شده است:

از جمله این که اعتماد مشهور فقها و عمل آن‌ها به این روایت، ضعف سند آن را جبران می‌کند. (رحمتی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۵) همچنین صفوان از افرادی است که مراسیل او در حکم مسانید است؛ زیرا کشتی در رجالش قاعده‌ای را در مورد اصحاب اجماع بیان نموده است. مطابق این قاعده صفوان ابن یحیی از اصحاب اجماع است و از جمله کسانی است که اصحاب اتفاق نظر دارند که اگر روایتی به سند صحیح از یکی از اصحاب اجماع نقل شود صحیح است زیرا همه بر فضل و وثوق آنان اقرار دارند اگر چه روایتی که آنان از معصوم نقل می‌کنند مرسل یا مرفوع باشد. (شانه چی، ۱۳۷۶، ص ۲۵)

همچنین این حدیث طبق نقل شیخ صدوق «مسند» است. زیرا سند صدوق چنین است: «محمد بن علی ماجیلویه عن عمه محمد بن ابی القاسم، عم احمد بن محمد بن خالد، عن ابیه، عن محمد بن ابی عمیر عن علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام». طبق این نقل، این روایت نه تنها مسند است بلکه اشخاص موجود در آن نیز قابل اعتمادند و در نتیجه روایتی قابل استناد به شمار می‌رود. (رحمتی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۴)

## بحث دلالی

ظاهراً مقصود روایت این است: مردی که بی‌بینه بر ضد او شهادت داده‌اند و او فرار کرده است، پیش از شهادت شهود، توبه کرده است. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۳) گرچه مورد سؤال، فرار بعد از اقامه‌ی بی‌بینه است، لکن برخی از فقها فرمایش امام علیه السلام را که فرمود: «ان تاب فما علیه شی» را بر توبه قبل قیام البینه حمل کرده‌اند. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۰).

## ۳ صحیح‌ی عبدالله بن سنان

در روایتی صحیح‌ی، عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «سارق اگر خود بیاید و در پیشگاه خدا توبه کند و مال مسروقه را به صاحبش برگرداند مجازات قطع عضو بر وی جاری نمی‌شود. (حرعاملی، بی‌تا، ص ۵۳۰).

این روایت به خوبی دلالت می‌کند بر این که توبه‌ی سارق قبل از اثبات سرقت، باعث سقوط مجازاتش می‌شود زیرا در روایت آمده است: سارق از پیش خود بیاید، یعنی بدون آن که شهود بر ضد او شهادت دهند، اما نکته‌ی قابل توجه این است که هرچند روایت درباره‌ی سرقت است اما با الغای خصوصیت می‌توان گفت حکم حدّ زنا و حدود دیگر نیز چنین است. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ص ۶۴)

#### ۴) روایات فضیلت توبه بر اقرار

از برخی روایات استفاده می‌شود که توبه کردن گنهکار مابین خود و خدایش بهتر از اقرار او به گناه نزد حاکم است. شریعت مقدّس اسلام شرایط دشواری برای اثبات زنا از جمله چهار شاهد عادل و ... قرار داده است و از سویی در توبه را به روی بندگان گشوده است. شاید فلسفه‌ی این مطلب چنین باشد که خداوند متعال نمی‌خواهد گناه میان مردم شایع شود. از این رو از هرگونه بروز و ظهور آن در جامعه جلوگیری می‌کند.

صاحب جواهر در این زمینه چنین می‌نویسد: «مستحبّ است شهود بر زنا شهادت ندهند تا گناهای پوشیده بماند همان‌گونه که مستحبّ است مؤمن گناه خود را بپوشاند و توبه نماید همچنان که در روایات به این مطلب اشاره شده است». (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۶۴)

برخی از روایات بدین قرار است: شخصی نزد رسول خدا(ص) می‌آید و با اقرار به زنا عرض می‌کند: عذاب دنیا از عذاب آخرت راحت‌تر و سهل‌تر است. در نهایت پس از چهار بار اقرار، آن شخص سنگسار می‌شود. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لو استتر ثمّ تاب كان خيراً له» (عاملی، بی‌تا، ص ۳۲۸) اگر جرمش را پوشیده می‌داشت و توبه می‌کرد برای او بهتر بود.

همچنین امیرالمؤمنان علی علیه السلام به مردی که اقرار به زنا کرد فرمود: چه چیز باعث شده به گناهت اقرار کنی؟ مرد پاسخ داد: طلب الطهاره. حضرت فرمود: «أیّ طهاره افضل من التّوبه». (عاملی، بی‌تا، ص ۳۲۸) چه طهارتی برتر از توبه است. این روایات دلالت می‌کنند که توبه بهتر از اقرار است و طهارتی که بر اقرار و اجرای حدّ مترتب می‌شود بر توبه نیز مترتب می‌شود. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۳) پس نتیجه می‌گیریم توبه قبل از اثبات زنا باعث سقوط حدّ می‌شود.

#### ب) آیه ی محاربه

برخی فقها به آیات ۳۳ و ۳۴ سوره‌ی مائده که درباره‌ی سقوط حدّ محارب با توبه است، برای حدّ زنا و حتی حدود دیگر استفاده کرده‌اند. نحوه‌ی استدلال بدین‌گونه است که اگر حدّ محاربه که شدیدتر از برخی اقسام زنا و شدیدتر از سایر حدود است با توبه کردن قبل از دستگیری ساقط می‌شود، به طریق اولی حدّ زنا نیز با توبه ساقط می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ص ۲۴۲)

در این حالت اصل عدم، ثابت نبودن حدّ را اقتضا می‌کند زیرا در توبه قبل از اثبات، وجود حدّ از ابتدا مشکوک است و می‌دانیم که یکی از ارکان استصحاب، وجود سابق برای مستصحب است در نتیجه در این مورد استصحاب حدّ جاری نمی‌شود. اما در توبه بعد از اثبات، وجود حدّ از ابتدا به وسیله‌ی شهادت یا اقرار مسلم است و در صورت شکّ در آن، استصحاب، بقای آن را اقتضا می‌کند. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۸)

**ج) اولویت**

مجازات اخروی به هیچ روی قابل قیاس با مجازات دنیوی نیست. مجازات اخروی از حیث نوع و میزان در فهم نمی‌گنجد. به ویژه آن که در برخی موارد، مجازات تا ابد بر گناه‌کار تحمیل می‌شود. در این صورت وقتی توبه مجازات اخروی را برمی‌دارد، به طریق اولی عقوبت دنیوی، یعنی حدّ را نیز برمی‌دارد و در نتیجه توبه قبل از اثبات موجب سقوط حدّ می‌شود.

شهید ثانی در مسالک می‌نویسد: «اما سقوطه بتوبته قبل قیام البینه فلان التوبه تسقط الذنب و عقوبه الاخره فعقوبه الدنیا اولی». (شهید ثانی، ۱۴۲۵، ص ۳۵۸)

**د) بنای حدود بر تخفیف**

آخرین دلیل مشهور برای سقوط حدّ زنا در صورت توبه قبل از اثبات جرم بنای حدود بر تخفیف است. به عبارت دیگر از آن‌جا که بنای حدود بر تخفیف است، با توبه قبل از اثبات باید در حقّ مجرم به تخفیف قائل شد و حدّ را بر وی جاری نکرد. (اردبیلی، ۱۴۱۶، ص ۴۸)

بدین ترتیب دلایل مشهور فقهای امامیه مبنی بر سقوط حدّ زنا قبل از اثبات در صورت توبه‌ی مجرم روشن گردید.

**بند دوم: سخن قائلان به عدم سقوط حدّ زنا**

کسانی که می‌گویند توبه قبل از اثبات به جز در مورد سرقت و محاربه، در حدود دیگر ساقط‌کننده‌ی حدّ نیست، برای مدّعی خود به ادله‌ی مختلفی همچون معتبره اصبح بن نباته (حر عاملی، بی‌تا، ص ۳۲۸) و روایت مشابه آن و اطلاق ادله‌ی حدّ (نور ۲۴)، ۲ / مائده (۵)، (۳۸) استناد کرده‌اند.

قانون مجازات اسلامی نیز از نظر مشهور فقهای تبعیت کرده و در ماده‌ی ۸۱ توبه قبل از اقامه‌ی شهادت شهود را مسقط حدّ زنا دانسته است.

**بند سوم: دیدگاه فقهای اهل سنت**

در این زمینه فقهای اهل سنت اتفاق نظر ندارند. برخی از فقهای شافعی و حنبلی معتقدند که به وسیله‌ی توبه حدّ زنا، قبل از اثبات آن ساقط می‌شود. (فتحی بهنسی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۶) مستندات نظریه‌ی آنان عبارت است از:

**الف) آیه‌ای که در مورد توبه‌ی زانی آمده است:**

«واللذان یأتیانها منکم فاذوهما فإن تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما إن الله کان تواباً رحیماً» (نساء (۴)، (۱۶)). یعنی: از میان شما آن مردان و زنانی که (همسر ندارند) و مرتکب آن کار زشت می‌شوند، آن‌ها را آزار دهید (و حدّ بر آنان جاری نمایند) و اگر توبه کنند و (خود را) اصلاح نمایند از آن‌ها درگذرید زیرا خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.

ب) روایات صادره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: التائب من الذنب کمن لا ذنب له». (قزوینی، ۱۴۱۹، ص ۱۷)

توبه‌کننده از عصیان مانند شخصی است که اصلاً گناهی مرتکب نشده است. بنابراین کسی که مرتکب گناهی نشده است، حدّ نیز بر او جاری نمی‌شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۴، ص ۳۱۱)

اهل سنت به قضیه‌ی ماعزین مالک استناد کرده‌اند. ماعز در نزد پیامبر صلی الله علیه و اله اقرار به زنا نمود. در ابتدا رسول خدا (ص) بطور غیرمستقیم وی را به کتمان امر هدایت نمود. اما ماعز اصرار بر اقرار نمود و سرانجام هنگامی که ماعز از گودال فرار کرد، او را گرفته و مجازات کردند، پیامبر صلی الله علیه و اله بعد از شنیدن این واقعه فرمودند: «هلا ترکتموه یتوب فیتوب الله علیه» چرا او را رها نکردید، که توبه نماید، پس خداوند توبه‌ی او را می‌پذیرفت. (ابن قدامه، ۱۴۰۴، ص ۳۱۱).

ج) قیاس اولویت:

از آن جایی که محاربه جرم بزرگی است، مجازات سنگینی دارد که در قرآن کریم (مائده ۵)، ۳۳ به تفضیل بیان شده است. در صورتی که توبه بتواند مجازات محاربه را ساقط کند، به طریق اولی، حدّ زنا را که از شدت کمتری برخوردار است ساقط می‌نماید. (عوده، ۱۴۱۳، ص ۳۵۳).

در مقابل مالک و ابوحنیفه و برخی از فقهای شافعی و حنبلی گفته‌اند: توبه در مورد زنا، مسقط حدّ نیست و تفاوتی بین قبل و بعد از دستگیری قائل نیستند. (غریانی، ۱۴۲۳، ص ۵۲۸) آن‌ها معتقدند توبه فقط مجازات جرم محاربه را به دلیل نصّ صریحی که در این مورد وارد شده است، ساقط می‌کند. این گروه از اهل سنت به اطلاق آیه که در مورد کیفر زنا آمده است، تمسک جسته‌اند؛ «الزّانیه و الزّانی فاجلدوا کلّ واحدٍ منهما مأة جلده». (نور ۲۴)، ۲ یعنی: هر یک از مرد و زن زناکار را صد تازیانه بزنید.

نحوه‌ی استدلال آنان بدین‌گونه است که آیه‌ی فوق مطلق است و تمامی زناکاران اعم از توبه‌کنندگان و غیرتوبه‌کنندگان را در بر می‌گیرد.

این دسته از فقهای اهل سنت به دستور پیامبر صلی الله علیه و اله در مورد سنگسار کردن ماعز و غامدیه نیز استناد کرده‌اند. (ابن قدامه، ۱۴۰۴، ص ۳۱۶) زیرا این دو در حال توبه و اعتراف بر ضد خودشان نزد پیامبر صلی الله علیه و اله آمده بودند و از آن حضرت تقاضای اقامه‌ی حدّ کرده بودند، رسول گرامی اسلام (ص) نیز حدّ زنا را بر آنان جاری نمود.

اینان معتقدند که مجازات کفّاره‌ی گناهان است و با توبه ساقط نمی‌شود و به هر حال اجرای آن لازم است و زنا را نمی‌توان به محاربه، قیاس و تشبیه کرد؛ زیرا در مورد محارب، که به طور معمول نمی‌توان بر او دست یافت و در صورتی که پیش از دستگیری توبه نماید مجازات ساقط می‌گردد، علت اصلی آن این است که وی تشویق به کناره‌گیری از ادامه‌ی فساد

در روی زمین گردد. اما در مورد زنا که همواره در معرض دستیابی و دستگیری هستند، دلیلی بر پذیرش توبه و تشویق زانی به آن وجود ندارد. (عوده، ۱۴۱۳، ص ۳۵۴)

به نظر می‌رسد ادله‌ی این گروه از فقهای اهل سنت در مورد عدم پذیرش توبه‌ی زانی صحیح نمی‌باشد؛ زیرا آیه‌ای که درباره‌ی کیفر زنا وارد شده است، هرچند به ظاهر مطلق است و تمامی زناکاران را در برمی‌گیرد اما بلافاصله این آیه مقید شده است و توبه‌کنندگان را شامل نمی‌شود.

ثانیاً، تمسک به روایت ماعزبن مالک و قضیه «غامدیّه» نیز درست نیست. زیرا این روایت دلالت بر عدم پذیرش توبه‌ی زانی به طور مطلق ندارد. به این دلیل که ماعز و غامدیّه اقرار به جرم زنا کرده بودند، که در این صورت حاکم شرع می‌تواند معترف به جرم مستوجب حدّ زنا را عفو نماید یا حدّ را جاری سازد.

اما این که گفته‌اند مجازات کفّاره‌ی گناهان است و با توبه ساقط نمی‌شود و حکمت پذیرش توبه‌ی محارب، تشویق او بر صرف نظر کردن از فساد است که این حکمت در سایر جرائم وجود ندارد، از دو جهت مخدوش می‌باشد:

۱- هدف اصلی مجازات در اسلام، اصلاح و تربیت شخص گناهکار است. در صورتی که او توبه کند و شخص صالحی شود، نیاز به اعمال مجازات نیست.

۲- اگر حکمت پذیرش توبه‌ی محارب قبل از دستگیری، اصلاح و جلوگیری از فساد است این حکمت در مورد شخص زانی نیز وجود دارد. پس دلیلی نداریم که بگوییم توبه‌ی محارب پیش از دستگیری مجازات را ساقط می‌کند اما توبه‌ی زناکار تأثیری در سقوط مجازاتش ندارد. لذا حق با گروه اول است که توبه‌ی زانی پیش از اثبات، مسقط حدّ است. (اسکندری، بی تا، ص ۲۵۷)

### گفتار دوم: توبه‌ی زانی بعد از شهادت شهود

اگر شخص زناکار پس از شهادت شهود توبه کند آیا حدّ زنا از وی ساقط می‌گردد یا این که هیچ اثری بر توبه او مترتب نمی‌گردد؟

در این مورد میان فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. مشهور فقها بر این عقیده‌اند که اگر توبه‌ی زناکار بعد از شهادت شهود باشد حدّ از او ساقط نمی‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۸) در مقابل بعضی از فقها (مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۷۷) معتقدند الزامی در اجرای حدّ وجود ندارد به این معنا که با توبه پس از بینه، امام می‌تواند مجرم را عفو کند و یا این که حدّ را بر وی جاری سازد.

در این گفتار از ادله‌ی مشهور فقهای امامیه و مخالفین آنها سخن خواهیم گفت و در پایان به نقد و بررسی ادله‌ی این دو گروه می‌پردازیم.



## بند اول: ادله‌ی عدم سقوط حدّ زنا با توبه بعد از بیّنه و لزوم اجرای آن

برای این قول می‌توان به روایات و استصحاب استناد کرد:

### الف) روایات

مشهور فقها به روایات متعددی همچون معتبره‌ی طلحه بن زید، مرسله‌ی ابوبصیر و روایات فرار از گودال رجم استناد کرده‌اند.

#### ۱. اطلاق معتبره‌ی طلحه بن زید

در این روایت امیرالمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «إذا قامت البینه فلیس للامام ان یعفو». (عاملی، بی‌تا، ص ۳۳۱) یعنی: اگر شهود شهادت دهند امام حقّ عفو ندارد.

به اطلاق این روایت چنین استناد شده است که روایت نسبت به این که مجرم پس از بیّنه توبه کند یا نکند مطلق است و در نتیجه حدّ باید اجرا گردد.

#### ۲. مرسله‌ی ابوبصیر

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال می‌کند که شهود بر ضدّ وی به ارتکاب زنا شهادت داده‌اند و او پیش از اجرای حدّ فرار کرده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «ان تاب فما علیه شی و ان وقع فی ید الامام اقام علیه الحدّ و ان علم مکانه بعث الیه». (عاملی، بی‌تا، ص ۳۲۸)

نحوه‌ی استناد به این مرسله چنین است که اگر شخصی توبه کند، توبه‌اش در واقع مقبول است ولی اگر دستگیر شود حدّ بر او جاری می‌شود. یعنی توبه‌ی او که پس از شهادت شهود واقع شده است در واقع قبول می‌شود ولی در ظاهر قبول نمی‌شود و باید حدّ بر وی جاری شود.

#### ۳. اطلاق روایات فرار از گودال رجم

یکی از روایات، روایت صحیح‌ه حسین بن خالد از امام کاظم علیه السلام است. (عاملی، بی‌تا، ص ۳۷۶)

حسین بن خالد می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم اگر زانی محصن از گودالی که او را در آن جا سنگسار می‌کنند بگریزد آیا برای اجرای حدّ باید بازگردانده شود؟ حضرت فرمود: هم برگردانده می‌شود و هم نمی‌شود. گفتم: چگونه؟ فرمود: اگر خودش اقرار به زنا کرده و پس از آن که سنگ به وی اصابت کرد گریخته است، بازگردانده نمی‌شود، اما اگر بیّنه بر جرم وی شهادت داده است و او بیّنه را انکار کرده و در هنگام اجرای حدّ فرار کند با خواری و ذلت بازگردانده می‌شود تا حدّ بر وی جاری گردد.

به این روایت چنین استناد شده است که اگر محکوم به سنگسار از گودال فرار کند، در صورتی که جرمش با بیّنه ثابت شده باشد، برای اجرای سنگسار به گودال بازگردانده می‌شود. حال مقتضای اطلاق این روایات این است که رجم باید اجرا شود، چه فرارش به عتت توبه کردن باشد یا به عتت دیگر. (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۴۴۶)

#### ب) استصحاب

وقتی شهود به ارتکاب شخصی به زنا، شهادت دادند، حدّ ثابت و واجب می‌شود. حال اگر مجرم توبه کند و شکّ پیدا شود که آیا توبه حدّ را ساقط کرده یا نه، بقای وجوب حدّ استصحاب می‌شود و در نتیجه حدّ باید بر مجرم جاری شود. (لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۳۵)

این مجموع ادله‌ای است که مشهور برای عقیده‌ی خود بیان کرده‌اند.

#### بند دوم: ادله‌ی اختیار امام در عفو یا اجرای حدّ زنا با توبه پس از بیّنه

شیخ مفید و موافقان او دلیلی را برای ادعای خود اقامه نکرده‌اند و صرفاً بیان کرده‌اند که در صورت توبه پس از بیّنه، امام مخیر است که مجرم را عفو کند یا این که حدّ را بر وی جاری نماید. برخی (نجفی، ۱۳۶۳، صص ۳۰۸-۳۰۹) سعی کرده‌اند برای نظر این گروه، مستندات بیابند که آن مستندات عبارتند از:

- ۱- أصالة البراءة: به نظر می‌رسد منظور از براءة، براءة از تعیین اجرای حدّ است نه براءة از اصل اجرای حدّ.
- ۲- عدم اثبات حدّ به مجرد شهادت شهود: به نظر آنان ثبوت حدّ به واسطه‌ی بیّنه در ذمه یقینی نیست تا این که گفته شود بعد از شهادت شهود شکّ در ثبوت حدّ داریم پس ثبوت حدّ را استصحاب می‌کنیم. خلاصه‌ی کلام این است که آن‌ها معتقدند این جا محل اجرای استصحاب نیست زیرا یقین سابق وجود ندارد.
- ۳- قاعده‌ی اولویت: نحوه‌ی استدلال چنین است: اگر توبه عذاب آخرت را که سنگین‌تر است ساقط می‌کند پس به طریق اولی باید عذاب دنیا را نیز ساقط کند.

#### بند سوم: نقد و بررسی ادله

در این قسمت نخست به نقد ادله‌ی نظر شیخ مفید و پیروانش می‌پردازیم و سپس ادله‌ی قول مشهور را بررسی می‌کنیم و سپس نتیجه‌ی مباحث را بیان می‌داریم.

#### الف) نقد اول: قول اختیار امام در عفو یا اجرای حدّ بعد از شهادت شهود

مقتضای نصّ و فتاوی‌ای فقها این است که حدّ به مجرد شهادت شهود ثابت می‌شود؛ در این صورت مجالی برای اجرای اصل براءة نمی‌ماند. زیرا سقوط حدّ بعد از اثبات نیاز به دلیل دارد. (لنکرانی، ۱۴۲۷، صص ۱۳۶-۱۳۵) و همچنین اگر تمسک به قاعده‌ی اولویت صحیح باشد باید قائل شویم که توبه حتماً حدّ را ساقط می‌کند نه این که بگوییم با توبه امام می‌تواند حدّ را ساقط کند. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۶)

پس با این ایراداتی که وارد شد ساقط نشدن حدّ زنا با توبه بعد از شهادت شهود به احتیاط نزدیک تر است.

### ب) بررسی ادله‌ی قول عدم سقوط حدّ زنا بعد از شهادت شهود

روایات فرار از گودال قابل نقد و مناقشه‌اند. بر استدلال به این روایات اشکال وارد شده که در آن روایات اشاره‌ای به توبه بعد از بینه نشده است و سخنی از توبه به میان نیامده است و فرار کردن شخص از گودال دلالت بر توبه‌ی وی ندارد تا بازگرداندن او دلیل بر عدم پذیرش توبه‌ی او باشد. (خوانساری، ۱۴۰۵، ص ۲۲)

### ج) نتیجه

به نظر می‌رسد در عدم سقوط حدّ زنا با توبه بعد از شهادت شهود، حق با مشهور فقهاست که معتقدند با توبه پس از شهادت شهود حدّ ساقط نمی‌شود. اگر چه برخی ادله‌ی مشهور قابل انتقاد است اما معتبره‌ی طلحه بن زید و استصحاب، ادله‌ی صحیح محسوب شده و می‌توانند مدّعی مشهور را اثبات کنند. قانون‌گذار نیز در ذیل ماده ی ۸۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که حدّ زنا با توبه پس از شهادت شهود ساقط نمی‌شود. با مراجعه به کتب فقهی اهل سنت می‌بینیم که از توبه بعد از شهادت شهود سخنی به میان نیامده است.

### گفتار سوّم: توبه‌ی زانی بعد از اقرار به جرم

اگر شخصی به ثبوت حدّ زنا در ذمه‌اش اقرار کند و سپس توبه نمایند مشهور فقهای امامیه معتقدند امام در اقامه‌ی حدّ و بخشودن او مخیر است خواه حدّی که زانی به آن اقرار کرده سنگسار باشد یا تازیانه. (نجفی، ۱۴۰۵، ص ۲۲)

در مورد حدّی که مستلزم سنگسار است صاحب جواهر می‌نویسد: «هیچ اختلافی در آن میان فقها نیافتیم بلکه بنا بر آنچه در سرائر نقل شده است فقها بر آن اجماع دارند». (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۲۹۳) اما ابن ادریس در مورد تازیانه اجرای آن را حتمی و متعین دانسته است و تخییر را به حدّ سنگسار اختصاص داده است.

در این گفتار به بیان ادله‌ی ابن ادریس در اختصاص تخییر به سنگسار می‌پردازیم و ادله‌ی او را مورد بررسی قرار می‌دهیم سپس مستندات مشهور فقها را در مورد اختیار امام در عفو زانی بعد از اقرار نقل می‌کنیم و در ادامه از شرط بودن یا شرط نبودن توبه‌ی اقرارکننده سخن خواهیم گفت و در نهایت دیدگاه فقهای اهل سنت را در مورد توبه‌ی زانی بعد از اقرار بیان می‌کنیم.

### بند اوّل: ادله‌ی ابن ادریس در اختصاص تخییر به سنگسار

ابن ادریس در این حکم به اصالت بقای حتمیت و تعیین حدّ تازیانه تمسک کرده است. به این صورت که پس از اقرار و پیش از توبه، حدّ تازیانه متعین و حتمی است و بعد از توبه که شک در بقای حتمیت این حدّ می‌شود، حتمیت استصحاب ابقاء می‌گردد.

دلیل دیگر وی آن است که تخییر در اجرای تازیانه مستلزم تعطیلی حدود است که از آن نهی شده است. (ابن ادریس،

۱۴۲۸، ص ۴۴۴)

### بند دوم: بررسی ادله‌ی ابن ادریس

به نظر می‌رسد سخن ابن ادریس صحیح نمی‌باشد. زیرا سنگسار و تازیانه در مقتضای حکم مشترک هستند. همان‌گونه که اعتراف و پشیمانی از گناه مقتضی سقوط سنگسار است همین اعتراف و پشیمانی نیز موجب سقوط تازیانه می‌شود. همچنین اگر توبه حتمیت کیفر شدیدتر را ساقط کند به طریق اولی حتمیت کیفر خفیف‌تر را نیز ساقط خواهد کرد. (علامه حلی، ۱۴۱۹، ص ۱۴۶)

### بند سوم: مستندات قول اختیار امام در عفو زانی بعد از اقرار وی

دلیل اصلی این قول، روایات می‌باشد که به ذکر چند نمونه از آن‌ها می‌پردازیم.

#### الف) معتبره‌ی طلحه بن زید

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مردی نزد امیرالمؤمنین آمد و به سرقت اقرار کرد. حضرت به او فرمود: آیا چیزی از قرآن را می‌دانی و می‌خوانی؟ گفت: بله سوره بقره، حضرت فرمود: دست را به سوره بقره بخشیدم. اشعت گفت: آیا از حدود خداوند حدی را تعطیل می‌کنی؟ حضرت فرمود: تو چه می‌دانی این چیست؟ هرگاه بینه‌ای برپا شود، امام نمی‌تواند ببخشد و هرگاه خود انسان به زیان خویش اقرار کند، اختیار با امام است اگر بخواهد می‌بخشد و اگر بخواهد دست را می‌برد. (عاملی، بی‌تا، ص ۳۳۱)

در ذیل روایت می‌بینیم که امیرالمؤمنین میان اثبات جرم با اقرار و اثبات جرم با بینه تفاوت می‌گذارد و در صورت اقرار شخص برای امام قائل به اختیار عفو و اجرای حد می‌شود.

استناد به روایت با این اشکال مواجه است که این روایت در خصوص سرقت است و در حد زنا و سایر حدود جاری نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ص ۱۷۹) پاسخ آن است که جمله‌ی پایانی روایت «إن شاء عفا و إن شاء قطع» در بردارنده‌ی یک قاعده‌ی کلی است. (شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۷) یعنی اگر شهود شهادت دهند، امام حق عفو ندارد و اگر شخص بر ضد خویش اقرار کند، امام اختیار عفو یا اجرای حد را دارد. در نتیجه می‌توان گفت در تمام حدود، بعد از اقرار مجرم امام اختیار عفو یا اجرای حد را داراست.

#### ب) صحیحه ضریس کناسی

ضریس کناسی نقل می‌کند که امام محمدباقر علیه السلام فرمود: جز امام کسی نمی‌تواند از اجرای حدود مربوط به حق‌الله گذشت کند. اما اگر اجرای حدود مربوط به حق‌الناس باشد غیر از امام نیز می‌تواند از اجرای آن چشم‌پوشی نماید. (عاملی، بی‌تا، ص ۳۳۱)

مقتضای عبارت اولی این است که امام می‌تواند مجازات‌هایی که جنبه‌ی حق‌اللّهی دارند را عفو نمایند و قدر متیقّن آن در صورتی است که آن جرم حق‌اللّهی با اقرار ثابت شده باشد ولی اشکالی در سند این روایت وجود دارد. زیرا در سند حدیث آن ضریس کناسی است که هیچ مدح و قدحی در مورد او نرسیده است. اما با توجه به این که در سند این حدیث ابن محبوب که از اصحاب اجماع به شمار می‌آیند وجود دارد و ابن محبوب از ضریس کناسی نقل حدیث می‌کند، بنابراین اشکال سندی حدیث رفع می‌گردد. (لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۰۹)

این دو روایت از جمله روایاتی است که مشهور به آن استناد کرده‌اند.

#### بند چهارم: شرط بودن یا شرط نبودن توبه‌ی اقرار کننده

مشهور فقها، عفو اقرارکننده به حذّ زنا را از سوی امام، تنها در صورتی جایز می‌دانند که مرتکب پس از اقرار، توبه کند و تا زمانی که توبه نکرده است، امام حقّ عفو او را ندارد. (خوئی، ۱۴۲۲، ص ۲۱۵) در مقابل برخی از فقهای معاصر (همان) صرف اقرار را کافی می‌دانند، حال چه مرتکب پس از اقرار، توبه کند یا نکند.

آیت الله خوئی می‌نویسد: «مقتضای اطلاق ادلّه‌ی جواز عفو امام آن است که فرقی میان توبه کردن و توبه نکردن اقرارکننده وجود ندارد. (خوئی، ۱۴۲۲، ص ۲۱۷)

ادلّه‌ی ایشان، روایت صحیح ضریس کناسی (حرّ عاملی، بی‌تا، ص ۳۳۱) و معتبره طلحه بن زید (همان) است که در این روایات، اشاره‌ای به توبه نشده است. حال باید ببینیم چه دلایلی باعث شده که مشهور فقها توبه را به عنوان شرط عفو امام، ذکر کنند. دلایل مشهور فقها عبارتند از:

- ۱- وقتی مجرم داوطلبانه به گناه خویش اقرار می‌کند، معلوم می‌شود که او توبه کرده است، زیرا او غالباً با اقرار قصد تطهیر از گناه را دارد و گرنه اقرار نمی‌کرد. (لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۱۱)
- ۲- مناسبت حکم و موضوع: این مناسبت اقتضا می‌کند در صورتی که توبه کند، عفو شود و در صورت توبه نکردن اقرارکننده، عفو امام وجهی ندارد. (لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۱۲)
- ۳- اجماع: مشهور فقها معتقدند هرچند روایات اطلاق دارند، اما اجماع بر اشتراط توبه، اطلاق آن‌ها را مقید می‌کند. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۲۹۴)

به نظر می‌رسد ادلّه‌ای که مشهور فقها به آن استناد کرده‌اند قابل مناقشه است. زیرا هر اقراری ملازمه با پشیمانی ندارد. درست است انگیزه‌ی برخی اقرارکنندگان توبه و پشیمانی است، ولی انگیزه‌ی برخی ممکن است به دلایل دیگری باشد. مثلاً برای رهایی از عذاب اخروی و نه به قصد تطهیر از گناه، اقرار می‌کند و در نتیجه عذاب دنیوی را ترجیح می‌دهد. (لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۱۱) همچنین مناسبت حکم و موضوع آن نیست که اختیار عفو امام به توبه کردن مشروط باشد؛ چه بسا مصلحت آن باشد که امام حقّ عفو مجرم را داشته باشد؛ زیرا احتمال دارد امام تشخیص دهد که عفو مجرم موجبات حسن ظنّ او را نسبت به اسلام ایجاد می‌کند هر چند فعلاً توبه نکرده باشد و در نتیجه متخلّف، به اسلام روی می‌آورد. همچنین

ممکن است حاکم در قبال عفو مجرم از او خدمت مهم و سودمندی را در جهت منافع اسلام و مسلمانان توقع داشته باشد و بدین وسیله از گناه او درگذرد<sup>۱۰</sup> (منتظری، ۱۳۶۷، ص ۶۳۰) ثانیاً به فرض که مناسبات حکم و موضوع همان باشد که بیان شد، باید گفت که این مناسبت چندان قوی نیست که بتواند اطلاقات ادله را تقیید کند.

اجماع نیز نمی‌تواند به عنوان یک دلیل مستقل باشد زیرا این اجماع محتمل است اجماع مدرکی باشد و در نتیجه جای تمسک به آن نیست.

### بند پنجم: دیدگاه فقهای اهل سنت در مورد توبه‌ی زانی بعد از اقرار

در فقه اهل سنت آنچه که محل بحث واقع شده است رجوع از اقرار است که ماهیتاً با توبه بعد از اقرار تفاوت دارد. در مورد رجوع از اقرار، جمهور فقهای اهل سنت معتقدند که رجوع او مورد قبول واقع می‌شود ولی مالک در این مورد قائل به تفصیل شده و می‌گوید: اگر رجوع او به خاطر شبهه باشد قبول است ولی اگر بدون شبهه رجوع کند دو قول وجود دارد: قول اول این است که رجوع او مورد قبول واقع می‌شود که این نظر مشهور فقهای اهل سنت است و قول دیگر این است که رجوع او مورد قبول نیست. عمده دلیل اهل سنت در مورد تأثیر رجوع از اقرار حدیث ماعز بن مالک است که با استناد به آن می‌گویند اگر با فرار از گودال که نوعی رجوع غیر صریح است حد ساقط می‌شود پس در رجوع صریح و با لفظ به طریق اولی باید گفت که حد ساقط می‌شود. (قرطبی، ۱۴۲۵، ص ۳۶۰)

### مبحث دوم: توبه از لواط

از آن جایی که لواط عمل شنیع و زشتی است شارع مقدس مجازات سنگینی برای آن وضع نموده است. حال اگر مرتکب چنین عملی از کرده‌ی خود پشیمان شده و توبه نماید آیا توبه‌ی وی تأثیری در سقوط مجازاتش خواهد داشت؟

در این بخش برآنیم که در سه گفتار به پاسخ این سؤال بپردازیم.

#### گفتار اول: توبه‌ی لواط‌کننده قبل از اثبات جرم

اگر مرتکب عمل شنیع لواط قبل از اثبات توبه نماید بنابر نظر مشهور فقهای امامیه حد ساقط می‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۷) اما برخی از فقهای معاصر (تبریزی، ۱۴۱۷، ص ۲۰۷) بر این عقیده‌اند که به جز حد سرقت و محاربه که به دلیل خاصی، با توبه قبل از اثبات ساقط می‌شود، حدود دیگر از جمله حد لواط با توبه قبل از اثبات ساقط نخواهد شد.

ادله‌ی مشهور فقهای امامیه در سقوط حد لواط با توبه در زمان قبل از اثبات، همان است که در مبحث زنا به تفصیل مطرح شد. در این گفتار از دیدگاه فقهای اهل سنت در این زمینه سخن خواهیم گفت.

برخی از فقهای اهل سنت با استناد به روایت صادره از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له» (قزوینی، ۱۴۱۹، ص ۷۱۲) و قیاس اولویت، معتقدند که توبه موجب سقوط مجازات گردیده و شخص مجرم مسئولیت کیفری ندارد. (ابن قدامه، ۱۴۰۴، ص ۳۱۱) در مقابل تعدادی از فقهای اهل سنت (ابن مفلح، ۱۳۹۹، ص ۱۵۲) با

تمسک به اطلاق برخی آیاتی (مانند (۵)، ۳۸/ نور (۲۴)، ۲) که در مورد اجرای حدود نازل شده گفته‌اند: توبه نمی‌تواند حد را ساقط کند.

ظاهراً ادله‌ی این دسته از فقها در نزد ما تمام نیست؛ زیرا اطلاق برخی از آیاتی که در مورد اجرای حدود نازل شده است بلافاصله تقیید شده است و مورد توبه را در بر نمی‌گیرد.

### گفتار دوم: توبه‌ی لواط کننده بعد از شهادت شهود

در صورتی که مرتکبین به این عمل زشت بعد از شهادت شهود توبه کنند مشهور فقهای امامیه معتقدند حد ساقط نمی‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۷) در این گفتار درصدد بررسی قول مشهور هستیم.

#### بند اول: ادله‌ی مشهور فقهای امامیه

ادله‌ی آنان بر این حکم اطلاق معتبره‌ی طلحه بن زید و استصحاب است.

#### الف) روایت طلحه بن زید

در این روایت حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اذا قامت البینه فلیس للامام ان یعفو». (عاملی، بی‌تا، ص ۳۲۱) یعنی: اگر شهود شهادت دهند امام حق عفو ندارد.

به اطلاق این روایت می‌توان چنین استناد کرد که روایت نسبت به این که مجرم بعد از شهادت شهود توبه کند یا نکند مطلق است. لذا باید حد اجرا گردد.

#### ب) استصحاب

وقتی شهود به ارتکاب شخصی به عمل مستوجب حد، شهادت دهند، حد ثابت می‌شود. در این صورت اگر مجرم توبه کند و شک پیدا شود که آیا توبه حد را ساقط کرده یا نه بقای وجوب حد استصحاب می‌شود و در نتیجه حد باید بر مجرم جاری شود. (لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۳۵)

این مجموعه ادله‌ای است که می‌توان برای عقیده‌ی مشهور بیان کرد.

### گفتار سوم: توبه‌ی لواط کننده بعد از اقرار به جرم

مشهور فقها معتقدند اگر لواط کننده، بعد از اقرار توبه نمایند امام در عفو و اجرای حد مخیر است. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۸) دلیل عمده و اساسی آنان روایات است که به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم.

#### ۱- حدیث تحف العقول

ابن شعبه حرّانی در تحف العقول از امام هادی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: شخصی که اعتراف به لواط کرده است و شهادی بر او اقامه نشده و خود او داوطلبانه اقرار نموده است، اگر امامی که از جانب خداوند است می‌تواند از سوی

خدا او را به کیفر رساند، این اختیار را نیز دارد که از سوی خدا بر او مَنّت گذارد. آیا سخن خداوند را نشنیدی که فرمود: این بخشش و عنایت ماست، خواهی مَنّت گذار و خواهی بدون حساب نگهدار!

موضوع این روایت لواط است. اما عبارت پایانی آن بیان‌گر یک قاعده کلی است و آن این است که در هر حدی از حدودی که مربوط به حق‌الله است، این حقّ و اختیار برای امام وجود دارد که از خطای اقرارکننده درگذرد. (شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹)

اما مشکلی که در این روایت دیده می‌شود مرسله بودن آن است؛ زیرا ابن شعبه برای رعایت اختصار، سندهای کتاب خود را حذف کرده است. شاید به همین علّت است که آیت الله خوئی به این روایت استناد نکرده است، بلکه آن را در حدّ مؤید می‌داند. (خوئی، ۱۴۲۲، ص ۲۱۶)

## ۲- صحیحہ ی مالک بن عطیہ

در این روایت آمده است مردی نزد امیرالمؤمنین آمد و چهار بار به انجام لواط اقرار کرد. حضرت او را در انتخاب نوع کیفر لواط از میان سه نوع از میان سه نوع کشته شدن با شمشیر، سقوط از کوه با دست و پای بسته و سوختن با آتش مخیر گذاشت. او از حضرت پرسید کدام یک از این سه عقوبت سخت‌تر است؟

امام علیه السلام فرمود: آتش از همه سخت‌تر است و نیز آتش را انتخاب کرد. گودال آتشی فراهم شد و دو رکعت نماز خواند. چنین دعا کرد: بارالها! من مرتکب گناهی شده‌ام که می‌دانی و من از گناه ترس دارم. به همین دلیل نزد وصی رسولت و پسرعموی پیامبرت آمدم و درخواست کردم که مرا پاک گرداند. او مرا میان سه نوع عذاب مخیر کرد. خدایا! من شدیدترین عقاب را برگزیدم و از تو می‌خواهم که آن را کفّاره گناهم قرار دهی و با آتش دوزخ مرا نسوزانی. سپس بلند شد و در حالی که گریه می‌کرد وارد گودالی شد که برای او کنده بودند. امیرالمؤمنین و همه یارانش با دیدن این صحنه گریستند؛ سپس حضرت فرمود: «قم یا هذا فقد ابکیت ملائکه السماء و ملائکه الارض فان الله قد تاب علیک، فقم ولا تعاودن شیئاً مما فعلت» ای مرد، برخیز که فرشتگان آسمان و زمین را به گریه انداختی. خداوند توبه‌ات را پذیرفت، برخیز و از این پس هرگز آن چه را که انجام دادی تکرار مکن.

فقها با استناد به این روایت گفته‌اند اگر کسی به لواط اقرار کند و سپس توبه نماید امام مخیر است او را عفو کند یا حدّ را بر وی جاری سازد. بلکه برخی بنا به اولویت یا الغای خصوصیت در دیگر حدود، به این روایت استناد کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ص ۱۸۰)

به نظر می‌رسد نمی‌توان به این روایت حتی در مورد لواط استناد کرد؛ زیرا موضوع این بحث این است که با توبه پس از اقرار، حاکم می‌تواند مجرم را ببخشد. اما در این روایت صحبتی از بخشیدن امام نیست بلکه از توبه و پذیرش توبه‌ی مجرم از سوی خداوند سخن به میان آمده است. به عبارت دیگر، در این روایت برداشته شدن کیفر از پذیرش توبه بوده است، نه از



راه بخشیدن امام علیه السلام. بلکه می‌توان گفت ظاهر ذیل روایت همین است، زیرا حضرت فرمود: من تو را بخشیدم، بلکه فرمودند: خداوند توبه‌ات را پذیرفت. (شاهرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۸)

ظاهراً صرف اقرار لواط‌کننده نیز کافی می‌باشد حال چه وی پس از اقرار توبه کند یا نکند. همچنان که آیت الله خوئی می‌نویسد: «مقتضای اطلاق ادله‌ی جواز عفو امام آن است که فرقی میان توبه کردن و توبه نکردن اقرارکننده وجود ندارد». (خوئی، ۱۴۲۲، ص ۲۱)

### مبحث سوّم: توبه از مساحقه

اگر مرتکب مساحقه از عمل خود پشیمان شده و توبه نماید، آیا بر توبه وی اثری مترتب می‌شود؟ در این مبحث در صدد بررسی نقش توبه در سقوط حدّ مساحقه هستیم.

#### گفتار اوّل: توبه‌ی مساحقه‌کننده قبل از اثبات جرم

اگر مساحقه‌کننده قبل از اثبات توبه نماید مشهور فقهای امامیه معتقدند حدّ ساقط می‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۹۰) مستندات آنان همان مستندات است که در مبحث زنا و لواط به تفصیل بیان شد. فقهای اهل سنت در این زمینه اختلاف نظر دارند. نظرات و دلایلشان همان است که در مبحث لواط اشاره شد.

#### گفتار دوّم: توبه‌ی مساحقه‌کننده بعد از شهادت شهود

در صورتی که مساحقه‌کننده بعد از شهادت شهود توبه نماید مشهور فقهای امامیه بر این باورند که حدّ ساقط نمی‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۲)

دلایل آنان همان دلایلی است که در مبحث لواط ذکر گردید.

#### گفتار سوّم: توبه‌ی مساحقه‌کننده بعد از اقرار

مشهور فقهای امامیه بر این عقیده‌اند که اگر مساحقه‌کننده بعد از اقرار توبه نماید حاکم در عفو و اجرای حدّ مخیر است. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۹۰) در مقابل برخی از فقها همچون ابن ادریس بر این باورند که اگر مرتکب چنین جرمی، بعد از اقرار نزد حاکم توبه نماید، عفو او جایز نیست؛ زیرا عفو تنها در صورتی جایز است که حدّ مستلزم قتل باشد در حالی که حدّ مساحقه (صد ضربه تازیانه) موجب قتل نیست. (ابن ادریس، ۱۴۲۸، ص ۵۰۱)

ظاهراً سخن ابن ادریس صحیح نمی‌باشد. زیرا زمانی که زنا و لواط که گناه کبیره هستند با توبه بعد از اقرار قابلیت تخیر داشته باشند پس به طریق اولی چنین تخیری نیز در مساحقه وجود دارد. (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۳۹۰) همچنین اطلاق ادله‌ی جواز عفو امام اقتضاء می‌کند که تفاوتی بین توبه کردن و توبه نکردن اقرارکننده نیست. (خوئی، ۱۴۲۲، ص ۲۱۷)

## مبحث چهارم: توبه از قیادت

حکم سقوط حدّ قیادت با توبه همان است که درباره‌ی سقوط حدّ زنا، لواط و مساحقه بیان شد و همان دلایل در این جا نیز مصداق دارد.

## مبحث پنجم: توبه از قذف

همان‌طور که می‌دانیم توبه حق‌النّاس را ساقط نمی‌کند بلکه تائب باید در اولین فرصت ممکن حقوق مردم را به آنان بازگرداند. حدّ قذف نیز از جمله حقوق مردم است از این رو توبه آن را ساقط نمی‌کند.

آیه «والذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا باریعه شهداء فاجلدهم ثمانین جلده و لا تقبلوا لهم شهاده ابدأ و اولئک هم الفاسقون الا الذین تابوا من بعد ذلک و اصلحوا فانّ الله غفور رحیم». (نور(۲۴)، ۴ و ۵) در مقام بیان مجازات قذف‌کننده می‌باشد. با توجه به این آیه سه حکم بر قاذف مترتب می‌گردد که عبارتند از شلاق زدن قذف‌کننده، عدم قبول شهادت و فاسق بودن وی مگر در صورتی که توبه نماید.

در خاتمه دیدگاه قانون مجازات اسلامی در این مورد را ذکر می‌کنیم.

ماده ۱۱۴: در جرائم موجب حدّ به استثنای قذف و محاربه هرگاه متّهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حدّ از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره ۱- توبه‌ی محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حدّ است.

تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آنها محکوم می‌شود.

ماده ۱۱۶: دیه، قصاص، حدّ قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد.

ماده ۱۱۷: در مواردی که توبه‌ی مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

## نتیجه گیری:

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

۱. توبه یکی از بهترین شیوه‌های جلوگیری از جرم و اصلاح مجرمان است.
۲. به نظر می‌رسد علت این که توبه عامل سقوط مجازات می‌باشد، تغییراتی است که در مجرم پدید می‌آید و مجرم بدون این که ظاهراً مجازات شود، تحت تأثیر عذاب وجدان خود مجازات می‌شود و در نتیجه تصمیم می‌گیرد که دیگر مرتکب جرمی نشود و در این صورت اگر بخواهیم او را مجازات کنیم، دست به کاری بیهوده زده‌ایم. چرا که اعمال مجازات در واقع سالبه به انتفای موضوع است و ما بدون اعمال مجازات به هدف خود رسیده‌ایم.
۳. اگر چه در بخش حدود فقط توبه در پاره‌ای موارد به عنوان عامل سقوط مجازات به حساب آمده است، اما می‌توان آن را به عنوان یک قاعده‌ی عمومی در همه‌ی حدود مورد استفاده قرار داد. به عنوان مثال، جرم قوادی ویژگی خاصی ندارد که از سایر جرائم استثنا گردد و حتی در مقایسه با جرم زنا و لواط دارای ماهیت معاونت است و وقتی مجازات این دو جرم با توبه در برخی موارد قابل اسقاط است مجازات قوادی نیز با توبه قابل اسقاط است.
۴. توبه نیز همانند سایر عوامل سقوط مجازات‌ها فقط مجازات حق‌الله را ساقط می‌کند و تأثیری در حقوق مردم ندارد و مهم‌ترین ملاک در تشخیص حق‌الناس و حق‌الله آن است که حق‌الله به حقی گفته می‌شود که قابل اسقاط است.
۵. اسلام دینی است که ارزش خاصی برای انسان‌ها خصوصاً تأمین قائل شده است. تا آن جا که در مواردی همانند زنا که ممکن است با برملا شدن آن آبرو و حیثیت عبد گنه‌کار از بین برود توصیه می‌کند تا پنهانی توبه نماید و دیگران را از این عمل زشتش آگاه نسازد.
۶. از دیدگاه فقهای امامیه توبه‌ی مجرم قبل از اثبات جرم، در حق‌الله موجب سقوط مجازات می‌گردد، اما توبه‌ی مجرم بعد از اقرار به جرم، به اتفاق فقهای شیعه تنها زمینه‌ی عفو مجرم از مجازات را فراهم می‌کند و قاضی می‌تواند از حاکم اسلامی تقاضای بخشش مجرم را بنماید. چنین به نظر می‌رسد که تفاوت بین توبه قبل از اثبات و بعد از اقرار در این است که در مورد توبه قبل از اثبات، حدّ به سبب توبه ساقط می‌شود و قاضی نمی‌تواند در صورت توبه مرتکب را مجازات نماید، زیرا کیفر مستقیماً بر اثر توبه ساقط شده است. اما در مورد توبه بعد از اقرار مجرم، می‌تواند او را مورد عفو قرار دهد یا این که مجازات را اعمال دارد.
۷. توبه‌ی مجرم بعد از اثبات جرم توسط شهادت شهود، براساس نظریه‌ی مشهور فقهای امامیه، اثری نداشته و موجب سقوط مجازات یا عفو مجرم نمی‌گردد.

## منابع و مآخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادريس، محمد بن منصور، السرائر، چاپ ۵، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۸.
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی فی شرح الکبیر علی متن المقنع، چاپ اول، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۴.
۴. ابن مفلح، محمد، المبدع فی شرح المقنع، چاپ اول، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۹۹.
۵. اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶.
۶. اسکندری، عبدالکریم، نقش توبه در رفع مسئولیت کیفری، شماره ۱ سوم و چهارم، مطالعات حقوقی.
۷. تبریزی، میرزا جواد، اسس الحدود و التعزیرات، چاپ اول، قم.
۸. حلبی، ابی الصالح، الکافی فی الفقه، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان، بی تا، بی جا.
۹. حلّی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹.
۱۰. خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم، مبانى تکمله المنهاج، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، بی جا، قم، ۱۴۲۲.
۱۲. رحمتی، محمد، کتاب الحدود، چاپ اول، قم، مولف، ۱۳۷۴.
۱۳. شانه چی، کاظم، علم الحدیث و درایه الحدیث، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۴. شاهرودی، سید محمود، بایسته‌های فقه جزا، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۷۸.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ سوم، قم، مؤسسه ى معارف اسلامی، ۱۴۲۵.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، دار العالم الاسلامی، بیروت، بی تا، بی جا.
۱۷. شیرازی، محمد، الفقه (کتاب الحدود و التعزیرات)، دار القرآن الکریم، قم، بی تا، بی جا.
۱۸. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۲.
۱۹. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشرعیه، مکتب الاسلامی، تهران، بی تا، بی جا.
۲۰. عوده، عبدالقادر، التّشريع الجنائی الاسلامی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳.
۲۱. غریانی، عبدالرحمن، مدوّنه الفقه المالکی و ادلّته چاپ اول، بیروت، ریان، ۱۴۲۳.
۲۲. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحدود)، چاپ سوم، قم، فقه ائمه ى اطهار، ۱۴۱۷.
۲۳. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللّثام، چاپ اول، قم، مؤسسه ى آل بیت، ۱۴۲۴.
۲۴. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۵.

۲۶. کریمی، علی، *الدّر المنضود فی احکام الحدود* (تقریرات درس آیت الله گلپایگانی)، چاپ اول، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۴.
۲۷. مفید، محمدبن محمد نعمان، *المقنعه*، قم، مؤسسه ی نشر اسلامی، ۱۴۱۰.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، *انوارالفقاهه (کتاب الحدود و التعزیرات)*، چاپ اول، قم، مدرسه ی امام علی بن ابیطالب، ۱۴۱۸.
۲۹. منتظری، حسین علی، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ترجمه محمود صلواتی، چاپ اول، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۷.
۳۰. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، *کتاب الفقه الحدود و التعزیرات*، چاپ اول، قم، منشورات مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳.
۳۱. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.

